

عنوان جستار

رهایی از فقر

نویسنده:

زینب غلامی

ZEYNAB.GHOLAMI80880@GMAIL.COM

تهیه شده در:

بنیاد حرکت انسانی

HARKATENSANI.ORG

چکیده: همه ی ما برای زندگی به دور از فقر می جنگیم، اما نمی دانیم که فقر حتی اگر برای افراد دیگر، در سرزمین های دیگر نیز اتفاق بیفتد، زندگی همه ی ما در جامعه را با سختی مواجه می کند. در این جستار به علت های فقر و بعد از آن، به راهکار هایی درباره ی رفع آن می پردازیم تا بتوانیم به جامعه ای ایده آل برای آینده برسیم.

اگر به لغت‌نامه‌ی "دهخدا" نگاهی بیندازیم؛ معنای فقر را این طور می‌خوانیم: پشت شکستن، پشت کسی را شکستن، اندوه، درویشی، نداشتن مایحتاج، نداری و بی‌چیزی.

شاید برای همین است که در روزهای سخت و اتفاقات ناگوار، از این کنایه استفاده می‌کنیم: پشتم شکست و یا کمرم شکست.

فقر دقیقاً همین وضعیت ناگوار است که پشت انسان را می‌شکند. وضعیتی که در آن، فرد نمی‌تواند نیازهای اولیه خود و خانواده‌اش را رفع کند و در زندگی کردن و زنده ماندن، دچار مشکل می‌شود. اگر بخواهیم وضعیت فقر را دقیق‌تر بررسی کنیم، باید شرایط را با استانداردهای زندگی در جهان بسنجیم؛ در این صورت، بسیاری از افراد طبقه‌ی متوسط یک جامعه نیز فقیر شمرده می‌شوند.

زمانی که فقر در جامعه فراگیر می‌شود، در همان ابتدا مشکلات اجتماعی و اقتصادی را پدید می‌آورد. مشاغل کاذب مانند دست‌فروشی در شهرهای بزرگ، جای مهارت‌افزایی و کارآفرینی را می‌گیرند. و در همین موقعیت است که به کارگیری کودکان و تکدی‌گری آنها در جامعه، به اوج خود می‌رسد.^۱

از بین رفتن ثبات سیاسی و همبستگی اجتماعی، از دیگر مشکلات حاصل از فقر است. در زمان همه‌گیر شدن فقر، از آنجا که دغدغه‌ی اصلی مردم حل کردن مشکلات مالی و رفع نیازهای اساسی خانواده است، به مسائل سیاسی و رویدادهای اجتماعی کمتر اهمیت می‌دهند. منافع و موارد ملی برایشان در اولویت نیست. در این حال، مردم تنها کار می‌کنند تا گرسنه نمانند، نه اینکه برای پیشرفت کشور خود تلاش کنند.

فقر حتی می‌تواند مهم‌ترین لازمه‌ی زندگی انسان، یعنی "امنیت" را از بین ببرد. افراد فقیر جامعه گاهی به دلیل نداشتن شرایط برای کار و عدم دریافت درآمد متناسب با فعالیت‌هایشان، به کج‌روی و بزهکاری روی می‌آورند. این اتفاق سبب می‌شود تا حتی افراد ثروتمند جامعه نیز دچار آسیب شوند و جان و مال خود را در معرض خطر ببینند.

همچنین فقر سلامت روحی و جسمی ملت‌ها را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. آنها که درگیر فقر و مشکلات مالی هستند، توان استفاده و دسترسی به امکانات بهداشتی و درمان کافی را نداشته و ناامیدی از شرایط موجود، به دردها و فشارهای روانی و جسمی آنها اضافه می‌کند. در نتیجه‌ی تمام این‌ها، کارایی انسان به شدت دچار افت می‌شود و به واسطه افت کارایی و نداشتن امکانات کافی، متوسط طول عمر نیز کاهش می‌یابد.

از دیگر معضلات فقر، بیماری‌های اجتماعی و فساد است که جامعه را در معرض سقوط قرار می‌دهد. آسیب‌پذیرترین قشر در این موضوع، زنان و دختران هستند.

باید در نظر داشت که فقر تنها بر روی چند خانواده‌ی محدود اثر نمی‌گذارد و می‌تواند تمام جامعه و بعد از آن، تمام جهان را تحت تأثیر خود قرار دهد.

۱. علی حسن زاده، بررسی عوامل موثر بر فقر (مطالعه‌ی موردی ایران)، فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی، ۱۳۹۵

اما برای رهایی از فقر، در ابتدا باید دلایل وجود این وضعیت را بررسی کرد. دیدگاه های فلسفی و جامعه شناسی، در این باره دلایل مختلفی را بیان می کنند.

برای مثال:

- در دیدگاه سوسیالیست ها، فقر ناشی از توزیع نادرست سرمایه ای است که به نفع ثروتمندان انجام شده است.
- مارکسیست ها، ریشه ی فقر را نابرابری طبقاتی در جوامع می دانند و راه حل را در تغییر این ساختار می بینند.
- اما در نگاه نئولیبرال ها، علت فقر متفاوت است. آن ها مالکیت انحصاری دولت و تمرکز بازار های آزاد را از مهم ترین عوامل فقر می دانند.

جدا از دیدگاه ها، اگر بخواهیم دلایل مهم فقر را به صورت موردی بررسی کنیم به دو نکته ی حیاتی می رسیم:^۲

- عدم رشد اقتصادی، از ریشه های اصلی فقر است. در جوامعی که نظام سنتی روابط ملکی، همچنان وجود دارد، و تولید در آن نقشی ندارد، رشد اقتصادی اتفاق نمی افتد. در نتیجه بیکاری افزایش می یابد و دولت ها از فروش منابع اصلی خود برای درآمد و رفع مشکل استفاده می کنند و بدین ترتیب با افزایش بیکاری و نبود شغل، و با فروش منابع و عدم توزیع برابر درآمد حاصل از این اتفاق، افزایش فقر اتفاق می افتد.
- توزیع ناعادلانه و نابرابر درآمدها از دیگر علت های فقر است. درآمد هنگفت عده ای قلیل و توزیع ناعادلانه ی ثروت و به پیروی از آن، درآمد اندک اکثریت، رشد اقتصاد و امکانات سرمایه گذار را محدود می کند و همه ی افراد نمی توانند در سرمایه گذاری و پیش برد تولید، سهم و نقش داشته باشند. همچنین درآمد های آن عده ی محدود، تقریباً همیشه صرف کالاهای تجملی می شود و یا در خارج از کشور خرج می شود که خود این موضوع به تنهایی می تواند منجر به رشد فقر شود.

پس از بررسی مهم ترین عوامل افزایش فقر، باید دید چگونه می توان از فقر رهایی یافت و آزاد شد.

- اولین کاری که در این باره باید انجام شود، تعصب زدایی است. گونار میردال^۳ در کتاب "طرحی برای مبارزه با فقر جهانی" درباره ی تعصب چنین می نویسد:
"این حقیقت را که مفاهیم از واقعیت ها، ایدئولوژی ها و نظریه ها، تحت تأثیر منافع گروه مسلط و حاکم جوامع شکل می گیرند و مطابق با این منافع، از حقایق منحرف می گردند، می توان به خوبی مشاهده کرد و در واقع با توجه به تاریخ گذشته قبول نمود، ولی ما در فعالیت های فکری خود، معمولاً

۲. ویراسته جک راج و جانت راج، جامعه شناسی فقر، امیرکبیر، ۱۳۵۴

۳. گونار میردال (Gunnar Myrdal) اقتصاددان، جامعه شناس و سیاستمدار اهل سوئد بود که در سال ۱۹۷۴ به همراه فریدریش آوگوست فون هایک اقتصاددان اتریشی موفق به دریافت جایزه نوبل در اقتصاد شد.

ساده لوحانه نسبت به تاثیر های فوق بر روی ذهن خویش، همان طور که مردم در دوره های قبل تاریخ نیز کرده‌اند، تجاهل می‌کنیم.^۴

در حقیقت مواردی مانند تعصبات قومی، فکری و مذهبی، تبعیض های جنسیتی و نژادی، خود از مواردی هستند که می‌توانند سبب فقر شوند، چرا که جلوی کار، رشد و تلاش را می‌گیرند. پس در مرحله‌ی اول، باید تعصبات موجود در جامعه، شهر، خانواده و خود افراد را پیدا کرد و در پی حذف آن بود.

معلمان، انجمن های مردم نهاد، هنرمندان و فعالان رسانه ای و حتی دیگر افراد جامعه می‌توانند به کمک آگاهی‌بخشی، برای رفع این تعصبات، گام های بلندی را بردارند.

- یکی دیگر از راه های کاهش فقر، شناختن فرهنگ های متفاوت در جوامع و حفظ آن هاست. یکی از تفاوت های کشورهای پیشرفته با دیگر کشورها خصوصاً کشورهای آسیایی، این است که نهاد های سیاسی و اجتماعی پیش از انقلاب صنعتی، مستقل و کاملاً یکپارچه بودند و فرهنگ ها نیز با یکدیگر تشابه داشتند. اما در دیگر جوامع چنین اتفاقی رخ نداده است. کشورهایمانند ایران، افغانستان، ترکیه و به طور کلی کشورهای آسیایی، فرهنگ های مختلفی، هم در درون کشور خود و هم با یکدیگر دارند. این تفاوت فرهنگ و عقاید، شرایط اقتصادی و سیاسی متفاوتی را نیز می‌طلبد. در همان ابتدا باید این تفاوت ها را پذیرفت و آن ها را شناخت و در نهایت در پی استفاده و شناسایی فرصت ها بود تا کارآفرینی و تولید، با توجه به هر فرهنگ و نیاز خاص، به سرانجام برسد و رشد اقتصادی را افزایش دهد.

- مسئله ی بعدی این است که اگر نابرابری کاهش یابد، فقر از بین خواهد رفت. گوناوارمیردال در این باره می گوید:

"مسئله ی نابرابری در مرکز مسائل توسعه ی کشورهای عقب مانده قرار دارد. نابرابری در این کشورها به تمام روابط اجتماعی و اقتصادی، مربوط می‌شود.

بنابراین، مسئله ی نابرابری در هر گونه اتخاذ سیاسی، مانند مددکاری اجتماعی، سیاست های کشاورزی، اصلاح آموزش و پرورش و مالیات بندی از عوامل اصلی است."^۵

به این ترتیب باید توجه کنیم که نابرابری، تنها به مسائل اقتصادی جامعه مربوط نمی‌شود؛ نابرابری به چندین شکل خود را نشان می‌دهد و برای حل هر کدام، باید مسیر تفاوتی را پیش گرفت.

نابرابری در درآمد را می‌توان به کمک اصلاح نظام مالیاتی به آسانی بهبود بخشید. پرداخت مالیات متناسب با درآمد هر فرد و سیستم نظارتی دقیق بر پرداخت آنها، می‌تواند گام بزرگی در راستای تعدیل درآمدها باشد.

در آخرین گزارشی که موسسه‌ی آکسفام^۶ در سال ۲۰۲۳ منتشر کرد: جمعیت یک درصدی ثروتمندان دو برابر مابقی جمعیت جهان در دو سال گذشته ثروت اندوزی کردند.^۷ حال اگر این یک درصد ثروتمند جهان، تنها بخش کوچکی از ثروت خود را به صورت ساماندهی شده در اختیار گروه فقیران جامعه قرار دهند؛ جمعیت فقرا می‌تواند به صفر میل کند.

نابرابری اجتماعی را که در آن، افراد امکان دست‌یابی به امکانات کافی، مانند بهداشت همگانی، آب و غذای سالم، آموزش و... را ندارند؛ می‌توان با کمک فعالیت انجمن‌های مردم‌نهاد و سازماندهی کمک‌های مردمی بهبود داد و شرایط را به سمتی پیش برد که افراد بتوانند فارغ از وضعیت مالی به تمامی امکانات اجتماعی دست پیدا کرده و رشد کنند.

- بالا بردن کیفیت آموزش و پرورش از دیگر مواردی است که می‌تواند باعث کاهش فقر در جوامع شود. با وجود داشتن آموزش و پرورش توانمند و ایجاد خلاقیت و فراهم آوردن زمینه‌ی رشد و توسعه برای افراد، دانش‌آموزان پس از تحصیل می‌توانند متناسب با ظرفیت‌های خود، فعالیت شغلی و اقتصادی خود را آغاز کنند.^۸ هم‌چنین آگاهی‌رساندن به کودکان و نوجوانان در خصوص نابرابری و تلاش در جهت حذف آن، می‌تواند به رشد جوامع، کمک ویژه‌ای کند.

در نهایت باید گفت، فقر می‌تواند همچون بیماری همه‌گیر، زندگی تمام افراد را در جهان، تحت تاثیر خود قرار دهد. و این یعنی، حتی کشور‌های توسعه‌یافته نیز با وجود جهانی شدن فقر، نمی‌توانند از معضلات آن رهایی یابند.

پس تاثیر فقر تنها به یک گروه و یا کشور‌های خاص محدود نمی‌شود. اگر دولت‌ها و مردم بتوانند در جهت رفع این بیماری تلاش کنند و راهبرد‌های مناسب را پیش بگیرند، می‌توان در آینده شاهد کاهش میزان فقر در جهان بود که در این صورت می‌توان، جهانی ایده‌آل را برای آیندگان ترسیم کرد.

پایان

۶. آکسفام (Oxfam) نام یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های بین‌المللی امداد‌رسانی برای ریشه‌کن کردن فقر، گرسنگی و بی‌عدالتی، متشکل از ۱۵ سازمان در ۹۸ کشور، است. مؤسسه آکسفام در سال ۱۹۴۲ در دانشگاه آکسفورد در قالب یک کمیته امداد‌رسانی برای مبارزه با قحطی توسط فعالان اجتماعی و دانشگاهیان آکسفورد تأسیس شد.

۷. آکسفام آمریکا (مقاله منتشر شده ۲۰۲۳)

<https://www.oxfam.org/en/press-releases/richest-1-bag-nearly-twice-much-wealth-rest-world-put-together-over-past-two-years/>

۸. تأثیر آموزش بر کاهش فقر (مقالات / بنیاد حرکت انسانی / ۱۴۰۲)

<https://harkatensani.org/poverty/effect-of-education-on-reducing-poverty/>